

Investigating the Foundations of Animal Rights in the Light of Jurisprudence and Philosophical Approaches

Sayyed Hesamoddin Rafieei Tabatabaei¹

1 - PhD Student in Private Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Karaj Branch
rafieei.hesam@gmail.com

بررسی مبانی حقوق حیوانات در پرتو فقه و رویکردهای فلسفی

سید حسام الدین رفیعی طباطبائی^۱

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
rafieei.hesam@gmail.com
http://orcid.org/0000-0003-0339-1775

Abstract

Animal rights are one of the most controversial challenges that communities are dealing with. Although it is a relatively new topic in various scientific and social fields, and most activists and researchers believe that many of its aspects are neglected, this situation should not be taken as rooted in silence and neglect. Rather, the challenge of animal rights has a solid basis in both the jurisprudential documentation and the philosophical and ethical approaches. In which not only are the various aspects of the subject ignored, however it can even be said to cover almost all its aspects. Therefore, the disregard of some views of this challenge at the present time should be attributed to the negligence of scholars and the legislature. Therefore, addressing the issue of animal rights first requires a proper understanding of its fundamentals and origins, as well as addressing the types of animal rights and their dimensions as an independent subject for research, in this article, we independently examine the foundations and roots of animal rights in the light of jurisprudence and philosophical approaches, to get to point why animals deserve to have rights and also should be respected by human beings.

Keywords: Animal Rights, the Principles of Animal Rights, Jurisprudence, Philosophy, Law.

چکیده

یکی از مسائل بحث برانگیز حال حاضر جوامع مسئله حقوق حیوانات می باشد. این مسئله اگرچه در میان حوزه های مختلف علمی و اجتماعی موضوعی نسبتاً نوظهور است و اغلب فعالان و پژوهشگران این حوزه معتقد بر مغفول ماندن جوانب بسیاری از آن هستند، لیکن این مغفول ماندن را نباید به معنای سکوت و غفلت ریشه ای و مبنایی دانست. بلکه مسئله حقوق حیوانات از حیث مبنا و پایه، چه در مستندات فقهی و چه در میان رویکردهای فلسفی دارای مبانی محکم و کاملی است؛ که در آن ها نه تنها جوانب مختلف موضوع مغفول نموده، بلکه حتی می توان گفت تقریباً تمام جوانب آن را پوشش داده اند. لذا مغفول ماندن برخی از جوانب این مسئله را در مقطع زمانی حال، می بایست ناشی از غفلت پژوهشگران و نیز دستگاه قانون گذاری دانست. لذا از آن جایی که پرداختن به مسئله حقوق حیوانات در ابتدا مستلزم درک صحیح مبانی و ریشه و اصالت آن است و نیز پرداختن به انواع حقوق حیوانات ابعاد ایشان خود موضوع مستقلی برای پژوهش به شمار می آید، در این مقاله مستقلاً به بررسی مبانی و ریشه حقوق حیوانات در پرتو فقه و رویکردهای فلسفی می پردازیم تا اصلاً بدانیم که چرا گفته می شود حیوانات نیز دارای حق و حقوقی می باشند؛ و چرا باید به رعایت حقوق ایشان پایبند باشیم.

واژگان کلیدی: حقوق حیوانات، مبانی حقوق حیوانات، فقه، فلسفه، حقوق.

برگرفته از مجله حقوقی، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱

مقدمه

بر هر شخص اهل مطالعه و پژوهش آشکار است که، در هر زمینه‌ای که به پژوهش و مطالعه پرداخته شود، نمی‌توان در انتهای مسیر به جمع‌بندی و برداشت صحیحی از مطالب بررسی شده دست یافت و آن‌ها را به صورت کاربردی و به عنوان راهکار حل مسائل مربوط با حوزه مطالعه شده مورد استفاده و بهره‌برداری قرار داد، مگر آن که پیش از پرداختن به موضوعی درک صحیحی نسبت به ریشه و اساس آن حاصل شده باشد. به عبارت دیگر، هرگز نمی‌توان انتظار داشت که موضوعی را بتوان به خوبی درک کرد و مشکلات مربوط به حوزه آن را مرتفع نمود بدون آن که بدانیم اصلاً برای چه آن موضوع موجودیت پیدا کرده است و اساساً چه دلیلی دارد که اصلاً به رعایت موضوعی بپردازیم و یا آن را مورد کنکاش و تحلیل قرار دهیم.

این امر در مورد موضوع حقوق حیوانات نیز مانند هر موضوع پژوهشی و هر مسئله مطروحه در جامعه انسانی امروز صادق است. یعنی هرگز نباید انتظار داشت که تمامی اشخاص پایبند به رعایت حقوق حیوانات باشند بدون آن که بدانند اصلاً چرا این حقوق را توصیه می‌نماییم؛ و اصلاً چه کسی در ابتدا و پیش از همگان مسئله حقوق حیوانات را مطرح کرده و چرا ما نیز باید به آن پایبند باشیم.

بدیهی است که چنانچه گام نخست را به این صورت برداریم و به افراد بر اساس مستندات و مبانی صحیح بفهمانیم که همان شارع مقدسی که بسیاری از توصیات اش را رعایت می‌کنید و پذیرفته‌اید، شما را به رعایت حقوق حیوانات نیز توصیه می‌نماید و سند چنین توصیه و دستوری نیز موجود است و معتبر هم می‌باشد، به سادگی با این موضوع کنار آمده و زودتر قانع می‌گردند و اگر در کنار این اقناع، به چیستی و چرایی آن نیز حتی اندکی آگاه شوند، توضیحات بعدی در آثار بعدی ملموس‌تر می‌گردد.

لذا در مقاله حاضر در پی این هستیم که بدانیم اصلاً بحث حقوق حیوانات ابتدا در کجا مطرح شد و آیا توصیه به رعایت آن صرفاً نوعی ابراز عواطف است و یا توصیه و سندی فراتر از افراد عادی بر رعایت آن وجود دارد. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است؛ روش جمع‌آوری داده‌ها و گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش نیز بر اساس منابع کتابخانه‌ای الکترونیکی و غیرالکترونیکی، مشتمل بر مقالات و کتب فقهی و حقوقی مرتبط با موضوع است که با استفاده از ابزار فیش‌برداری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۱- مبانی حقوق حیوانات در فقه

۱-۱- کتاب

در قرآن کریم آیات متعددی درباره جانوران وجود دارد که در آن‌ها به دفعات، حیوانات به عنوان مظهر قدرت پروردگار یکتا و نیز عبرتی برای انسان‌ها و موضوعی برای تفکر معرفی شده‌اند و در این آیات تأکید شده است که در وجود این جانداران، منافع و فواید بی‌شماری برای زندگی انسان‌ها نهفته است.

این آیات را بر اساس محتوا می‌توان به آیات مبنی بر تدبیر در خلقت چهارپایان و حیوانات اهلی و آیات مبنی بر تکامل و حشر حیوانات در قیامت تقسیم کرد (پورمحمدی، ۱۳۸۴، ۸ و رفیعی طباطبائی، ۱۳۹۷، ۴۱)

۱-۱-۱- تدبیر در خلقت چهارپایان و حیوانات اهلی

خداوند در آیات متعددی از قرآن از انسان‌ها می‌خواهد که در چگونگی خلقت حیوانات و منافع و سودهای نهفته در آن‌ها تدبیر کرده و به واسطه وجود ایشان پروردگار را شکر نمایند. «وَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ» آیا آنها ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده ایم چهارپایانی برای ایشان آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟ آن‌ها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند و برای آنان منافع دیگری در آن حیوانات است و نوشیدنی‌های گوارایی؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟ (یس، آیه ۷۳-۷۱). «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً تَسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» همانا برای شما در مطالعه احوال چهارپایان و حیوانات اهلی عبرتی هست که از شیر و گوشت و پوست خود به شما بهره می‌دهند و بسیاری منافع دیگر برای شما دارند و از گوشت و شیر ایشان تناول می‌کنید (مؤمنون، آیه ۲۱). «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟ (غاشیه، آیه ۱۷). «وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَكُوفٌ رَّحِيمٌ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» و دام‌ها را که برای شما در آن‌ها وسیله گرمی و سودهاست آفرید و از محصولات شان می‌خورید و برای شما در آنها زیبایی و شکوه است، آن گاه که شبانه از چراگاه برشان می‌گردانید و هنگامی که صبح به چراگاه می‌برید؛ و بارهای سنگین شما را تا شهری که جز با دشواری و مشقت به آن نمی‌رسید حمل می‌کنند؛ قطعاً پروردگارتان بسیار رئوف و مهربان است و اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را آفرید تا بر آن‌ها سوار شوید و برای شما تجمل و زینت باشند؛ و در آینده چیزهایی به وجود خواهد آورد که شما نمی‌دانید (نحل، آیه ۸-۵).

پروردگار یکتا در چنین آیاتی انسان‌ها را به شناختن حیوانات و تفکر در آفرینش آن‌ها و فعالیت‌های ایشان دعوت نموده و همواره مردم را به عبرت گرفتن از گونه‌های مختلف جانوران و خصلت‌های هر دسته از آن‌ها مانند چهارپایان، حشرات، پرندگان و ... دعوت کرده است. در آیات مذکور مشاهده می‌شود که حتی پس از بیان منافع مادی حیوانات از قبیل تهیه خوراک و پوشاک، سواری و حمل بار و ... حتی به جنبه روانی استفاده از آن‌ها نظیر زینت بخش بودن و شکوه و زیبایی نیز اشاره شده است که علاوه بر ترجمه آیات، با مراجعه به تفاسیر می‌توان به صورت ملموس تر به مفاهیم عمیق چنین تعبیری پی برد.

به عنوان مثال، در تفسیر آیه ششم سوره نحل (وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ) و برای شما در آن‌ها زیبایی و شکوه است، آن گاه که شبانه از چراگاه برشان می‌گردانید و هنگامی که صبح به چراگاه می‌برید، آمده است که منظره جالب حرکت دسته جمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی بیابان و چراگاه، سپس بازگشت شان به سوی آغل و استراحتگاه، که قرآن کریم از آن با تعبیر «جمال» یاد کرده است، تنها یک مسأله ظاهری و تشریفاتی نیست؛ بلکه بیانگر این واقعیت است که چنین جامعه‌ای به نوعی خودکفاست. این در واقع جمال استغناء و خودکفایی جامعه است؛ جمال تولید و تأمین مایحتاج لازم برای حیات یک ملت است که می‌توان از آن به عنوان استقلال اقتصادی و ترک هرگونه وابستگی یاد کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۱۱، ۱۶۰-۱۵۹).

همچنین در آیات شصت و هفتم و هشتم سوره نحل، رازهای بسیاری در مورد زنبور عسل بیان شده است. این حشرات دارای زندگی اجتماعی مسالمت آمیز، همراه با برنامه ریزی، تقسیم کار، روحیه تعاون و مسئولیت پذیری بالا و کمک به هم نوع هستند و می‌توانند الگوی بسیار مفیدی برای انسان‌ها باشند. کندوهای زنبورها را می‌توان از منظم‌ترین و پاک‌ترین شهرهای دنیا دانست و دلیل این همه ویژگی‌های مثبت را می‌توان تنها در همین آیات مشاهده کرد: پروردگار تو به زنبور عسل وحی فرستاد که از درختان و کوه‌ها و همچنین داربست‌هایی که مردم برای خانه‌های شان می‌سازند، خانه‌هایی برای خود برگزین؛ سپس از تمام ثمرات تناول کن و راه‌هایی که پروردگارت برای تو تعیین کرده را به سادگی طی کن. از درون شکم آن‌ها نوشیدنی خاصی خارج می‌شود به رنگ‌های مختلف، که شفای مردم در آن است. در این امر نشانه روشنی است برای آن‌هایی که اهل تفکرند (رفیعی طباطبائی، ۱۳۹۷، ۴۳).

شایان ذکر است که حتی در برخی آیات، به بیان گونه‌های مختلف حیوانات و چگونگی ایجاد نسل ایشان پرداخته شده است که خود نکته‌ای بسیار تأمل برانگیز است. به طور مثال قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: «و خداوند هر جنبه‌ای را از آبی به صورت نطفه آفرید؛ گروهی از ایشان بر شکم شان راه می‌روند و برخی از آن‌ها به روی دو پا حرکت می‌کنند و بعضی از آن‌ها نیز به روی چهار پا راه می‌روند» (نور، آیه ۴۵).

۲-۱-۱- تکامل و حشر حیوانات در قیامت

در برخی از آیات قرآن کریم به تکامل و محسور شدن حیوانات در روز رستاخیز اشاره شده است. مشاهده چنین نشانه‌هایی ذهن را به این مسئله درگیر می‌کند که آیا حیوانات نیز از نوعی ادراک و شعور برخوردار هستند؟ زیرا که حضور مخلوقات پروردگار در رستاخیز به جهت رسیدگی به حساب ایشان است؛ و لازمه حساب و پاداش و جزا نیز مسئله درک و شعور است. پس آیا می‌توان حیوانات را هم دارای سطحی از ادراک دانست؟ قرآن کریم در این زمینه بیان می‌دارد: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» همانا بدانید که هر جنبه‌ای

ای در روی زمین و هر پرنده ای که با دو بال در هوا پرواز می کند، همگی طایفه ای مانند شما نوع بنی بشر هستند. ما در کتاب آفرینش هیچ چیز را فروگذار نکردیم. سپس همه به سوی پروردگار خود محشور می شوند (انعام، آیه ۳۸).

در مورد این آیه تفاسیر بسیاری وجود دارد. به عنوان نمونه، علامه طباطبائی (ره) در بحث مفصلی ذیل آیه، شباهت های جوامع حیوانی به انسانی را از نظر کمیت، هدفمند بودن و حتی بهره مندی از نوعی اراده و شعور مطرح کرده اند. ایشان می نویسند: «تفکر عمیق در اطوار زندگی حیوانی که ما در بسیاری از شئون حیاتی خود با آن ها سروکار داریم و در نظر گرفتن حالات مختلفی که هر نوع از این حیوانات در مسیر زندگی به خود می گیرند، ما را به این نکته واقف می سازد که حیوانات هم مانند انسان دارای عقاید و آراء فردی و اجتماعی هستند. حرکات و سکناتی که آن ها در راه بقا و جلوگیری از نابود شدن از خود نشان می دهند همه بر مبنای آن عقاید است (طباطبائی، بی تا، ۱۰۳). در تفسیر دیگری، آیت الله مکارم شیرازی ضمن بررسی ابعاد اسرار آمیز زندگی مورچه و زنبور عسل، وفاداری حیوانات به صاحبان خود و امکان تربیت ایشان برای اهداف و کارکردهای گوناگون زندگی انسانی را مورد اشاره قرار داده اند: «در آیات متعددی از قرآن، مطالبی دیده می شود که دلیل قابل ملاحظه ای برای فهم و شعور بعضی از حیوانات محسوب می شود. داستان فرار کردن مورچگان از مقابل لشکر حضرت سلیمان علیه السلام، داستان آمدن همد به منطقه سبا و یمن و آوردن اخبار هیجان انگیز برای سلیمان نبی علیه السلام، شاهد این مدعا است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، جلد ۵، ۲۲۶-۲۲۵). آیه «وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ»، به معنی «هنگامی که همه حیوانات وحشی محشور می شوند» (تکویر، آیه ۵) نیز سندی دیگر بر محشور شدن حیوانات در قیامت است (رفیعی طباطبائی، ۱۳۹۷، ۴۵-۴۴).

۲-۱- سنت

سنت، گفتار، کردار و تقریر معصوم است. راه، روش، طریقه، سیرت، عادت، سرشت، طبیعت، شریعت و جمع آن سُنن است. در اصطلاح فقه قول و فعل و تقریر پیغمبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع)، آنچه که پیغمبر و صحابه بر آن عمل کرده باشند. اهل سنت، فرقه ای از مسلمانان که قائل به خلافت ابوبکر و جانشینان او هستند، خلاف شیعه که علی بن ابی طالب (ع) و امامان پس از او را جانشین پیغمبر اسلام می دانند (معین، ۱۳۶۰، ۱۹۳۷ و عمید، ۱۳۸۱، ۸۰۶) که به عنوان یکی از ادله چهارگانه (کتاب خدا، سنت معصوم علیه السلام، عقل و اجماع) ادله اربعه استنباط احکام و منابع اجتهاد مسلمانان را تشکیل می دهند و پس از قرآن کریم، دومین منبع اجتهاد مسلمانان به شمار می رود. سنت پیامبر (ص) به اجماع مسلمانان حجت است و بر آن برتری دارد؛ و سنت امامان معصوم (ع) نیز در اعتقادات شیعه معتبر است. تفاوت اهل سنت در این مورد با شیعه در این است که آن ها، سنت صحابه غیر معصوم را نیز معتبر می دانند. یعنی گفتار، کردار و تقریرات صحابه غیر معصوم را نیز دلیلی شرعی بر پذیرش امری می دانند. به گفتاری که از پیامبر (ص) و سایر معصومین (ع) در مورد مسائل گوناگون وجود دارد «سنت قولی»، به

کردار و اعمالی که معصوم به منظور تشریع و تثبیت آن در شرع انجام داده است «سنت فعلی» و به تأیید معصوم به واسطه تقریر «سنت تقریری» گفته می‌شود. منظور از تقریر یا امضای معصوم این است که فردی نزد وی کاری انجام دهد و یا سخنی بگوید و معصوم ضمن حالت یا عملی مانند سکوت، آن را تأیید کند. این سکوت به معنای صحه گذاشتن و امضای آن گفتار یا کردار به شمار می‌رود (مظفر، ۱۳۸۷، ۶۳ و محمدی ۱۳۸۷، ۱۲۰-۱۱۹ و ۱۳۰).

بنابراین با توجه به این که پیرامون موضوع حقوق حیوانات نیز مصادیق بسیاری از سنت، از ناحیه معصومین (ع)، در قالب قول یا فعل وجود دارد، لذا می‌توان سنت را نیز به عنوان یکی از مبانی فقهی حقوق حیوانات قلمداد کرد. در ذیل به بیان نمونه‌هایی از این افعال و اقوال، که در احادیث و روایات ظهور پیدا کرده اند می‌پردازیم و آن‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

در بیان حق حیات حیوان نقل شده است که: «أَنَّ كَرَةَ ذَبَحَ ذَاتَ الْجَنِينِ وَ ذَوَاتِ الدَّرِّ لَغَيْرِ عَلَيْهِ» پیامبر اکرم (ص)، کراهت داشتند که حیوان باردار یا شیرده، بدون علت ذبح شود. همچنین نقل شده است که امام صادق (ع) می‌فرمایند: «أَقْدَرُ الذُّنُوبِ ثَلَاثَةٌ، قَتْلُ الْبَهِيمَةِ وَ حَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ وَ مَنَعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ.» پلیدترین گناهان سه چیزند، کشتن بی جهت حیوان، نپرداختن مهریه همسر و نپرداختن دستمزد کارگر (حسینی، ۱۳۹۱، ۱۱۴-۱۱۳) در مورد کراهت شخص پیامبر در روایت نخست می‌توان گفت که اگر کراهت به صورت حالتی ظاهری در ایشان نمود پیدا کرده باشد، به طور مثال از چهره ایشان این گونه پیدا بوده که از عمل مذکور ناراضی بوده اند، چنین حالتی را می‌توان نوعی تقریر دانست و آن را تأییدی بر منع کشتار حیوان و حفظ حق حیات وی قلمداد کرد. همچنین از آن جایی که اظهار کراهت، نیازمند ابراز آن از طریق فعل یا کلام است، روایت مذکور را می‌توان علاوه بر سنت تقریری، حسب مورد سنتی فعلی یا قولی نیز به شمار آورد.

از پیامبر خدا (ص) روایت شده است که فرمودند: «در شب معراج بر آتش دوزخ اطلاع یافتم؛ در آن جا دیدم که زنی عذاب می‌شود، درباره او پرسیدم، گفته شد سبب کیفر دیدن او این است که گربه ای را بسته و به آن حیوان آب و غذا نداده و نگذاشته روی زمین چیزی پیدا کند و بخورد، تا این که حیوان مرده است، به همین دلیل خداوند او را کیفر می‌دهد. سپس بر بهشت اطلاع یافتم؛ در آن جا زنی زناکار را دیدم، درباره او نیز پرسیدم، گفته شد که او روزی گذرش به سگی افتاده که از شدت تشنگی زبانش بیرون افتاده بود، وی لباس خود را در چاه فرو برد و آب آن را در گلوی سگ فشرد تا سیراب شود. بدین سبب خدا او را بخشید.» (الطوسی، ۱۳۸۷ ق، ۴۷). امیر مؤمنان علی (ع) در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان که مهمان دخترشان ام کلثوم (س) بودند، درباره مرغابی خانه به دخترشان فرمودند: «دخترم، موجودی را در بند کرده ای که زبان اظهار گرسنگی و تشنگی ندارد؛ پس یا آب و خوراک آن را تأمین کن، یا آن را رها کن تا از گیاهان تغذیه کند.» لذا این روایات را می‌توان نمونه ای از سنت قولی در بیان حق حیات و نیز حق تغذیه حیوانات که یکی از موارد حق نفقه آن‌ها به شمار می‌رود دانست (محدث

نوری، ۱۴۰۸ ق، ۳۰۶). روزی شخصی به همراه اسب خود خدمت پیامبر اکرم (ص) آمده و به آن حضرت سلام گفت. حضرت در جواب سلام آن شخص از «علیکم السلام» استفاده کردند. یعنی با ضمیر جمع پاسخ دادند. آن مرد از رسول خدا پرسید که من یک نفر هستم، پس چرا مرا جمع خطاب کردید؟ حضرت فرمودند که تو تنها نیستی و اسب تو نیز همراهت است (ناجی جزایری، ۱۳۷۹، ۳۶). این روایت را نیز می‌توان نمونه‌ای از سنت فعلی در بیان حق حیوان دانست. زیرا آن حضرت با عمل خود که همان سلام دادن به حیوان است، در مقام بیان وجود حق احترام برای حیوان بوده‌اند.

شایان ذکر است که نه تنها پذیرش حقوق گوناگون برای حیوانات دارای مبنای روایی است، بلکه در روایات به ضمانت اجرایی اخروی این حقوق، در قالب حساب و کیفر، حتی در روابط میان خود حیوانات با یکدیگر نیز اشاره شده است؛ و می‌توان گفت که حساب و کیفر حیوانات و محشور شدن ایشان در قیامت، علاوه بر مبنای قرآنی دارای مستند و مبنای روایی نیز می‌باشد. در تفسیر «المنار» روایتی از طریق اهل سنت ذکر شده که پیامبر اکرم (ص)، در تفسیر آیه ۳۸ سوره انعام فرموده‌اند: «خداوند تمام این جنبندگان را در روز قیامت بر می‌انگیزاند و قصاص بعضی را از بعضی دیگر می‌گیرد. حتی قصاص حیوانی را که شاخ نداشته و دیگری بی جهت به او شاخ زده است، از اولی خواهد گرفت.» (پورمحمدی، ۱۳۸۴، ۱۰ و رفیعی طباطبائی، ۱۳۹۷، صص ۴۸-۴۵)

۳-۱- حکم عقل

از دیدگاه فقه شیعه عقل نیز یکی از ادله و منابع چهارگانه دستیابی به حکم شرع و اجتهاد مسلمانان است و بشر را در رسیدن به احکام شرعی پشتیبانی می‌کند. اما با توجه به این که عقل یک قوه و ابزار انسانی به حساب می‌آید و در مقابل، کتاب خدا و سنت معصومین (ع) به صورت ابزاری الهی هستند، این مسئله ذهن را به خود معطوف می‌سازد که آیا همان طور که ابزارهای الهی، شخص را به صورت مستقل و بدون نیاز به واسطه به حکم شرعی می‌رسانند، عقل بشر هم می‌تواند به طور مستقیم به حکم شرع دست یابد یا این که به واسطه‌ای نیاز دارد؟ لذا می‌توان گفت که کارایی عقل یا به عبارت دیگر ادراکات عقلی، در استنباط از مسائل، به اعتبارات گوناگون، تقسیم بندی‌های گوناگونی نیز پیدا خواهد کرد. این کارکردها و ادراکات را به انواعی از قبیل عقل نظری و عقل عملی، عقل فطری و عقل کسبی و نیز عقل کلی در مقابل عقل جزئی تقسیم کرده‌اند. گاهی عقل را در برابر عشق و ایمان، گاهی در برابر جهل، شهوت و خشم و گاهی هم آن را حجت درونی در برابر حجت ظاهری می‌دانند (حسینی، ۱۳۸۱، ۹۹). اما آنچه که در بحث فعلی ما کاربرد دارد، تقسیم آن به دو قسم عقل نظری و عقل عملی است. ادراکات عقلی گاهی مربوط به «بودن» و «نبودن» واقعیت‌های خارجی هستند که از آن‌ها به «عقل نظری» تعبیر شده است؛ گاهی هم مربوط به «بایدها» و «نبایدها» هستند یعنی رفتار شایسته‌ای که انسان باید انجام دهد و برعکس، که «عقل عملی» نام دارند (محقق داماد، ۱۳۶۲، ۱۳۵).

ادله ای که برای اثبات احکام شرعی استفاده می‌شوند از به هم پیوستن دو مقدمه شکل می‌گیرند. گاهی هر دو مقدمه تشکیل دهنده آن دلیل برگرفته از منابع شرعی هستند که آن را «دلیل شرعی» می‌نامند. ولی گاهی هر دو مقدمه یا یکی از آن‌ها برگرفته از عقل می‌باشند، خواه عقل نظری باشد یا عملی. در این حالت آن را «دلیل عقلی» می‌نامند که خود بر دو صورت تقسیم می‌شود:

۱-۳-۱- مستقلات عقلی

احکامی هستند که عقل بدون کمک گرفتن از واسطه - که در اینجا منظور همان اطلاعات شرعی است - درک می‌کند و بدون آن که منتظر دلیل شرعی باشد، حکم شرعی را روشن می‌سازد. مانند حسن صداقت (خوب بودن راستی) و یا قبح کذب (بد بودن دروغ). قبح کذب حکمی است که عقل به خودی خود آن را درک می‌کند. به طور مثال اگر در حکم اخیر، یعنی قبح کذب، برای حکم دو مقدمه در نظر بگیریم، که در اصطلاح صغری و کبری نامیده می‌شوند اگر هر دو مقدمه با عقل مطابقت داشته باشند می‌توان به درستی حکم پی برد (مظاهری کوهانستانی و نیازی، ۱۳۹۵، ۱۳۰). به عنوان مثال حکم: قبح کذب (بد بودن دروغ)؛ صغری: کذب عقلاً قبیح است؛ کبری: هر چیزی که عقلاً قبیح است، شرع نیز ما را از آن منع می‌کند؛ نتیجه: دروغ شرعاً ممنوع است. لذا در مورد حقوق حیوانات نیز می‌توان گفت مستقلات عقلی به حسن رعایت و پذیرش این حقوق و قبح زیر پا گذاشتن ایشان منتج می‌شود. به عنوان مثال: حکم: قبح شکنجه حیوانات؛ صغری: شکنجه حیوانات عقلاً قبیح و ناپسند است؛ کبری: هر چیزی که عقلاً قبیح و ناپسند است، شرع نیز آن را تقبیح کرده و ما را از آن منع می‌کند؛ نتیجه: شکنجه حیوانات شرعاً قبیح و ممنوع است.

۲-۳-۱- غیرمستقلات عقلی

هرگاه یکی از مقدمات (صغری) شرعی باشد و مقدمه دیگر (کبری) عقلی باشد، آن را دلیل غیرمستقل عقلی می‌نامند. زیرا عقل در اثبات حکم شرعی در این گونه موارد، نیازمند یک دلیل شرعی دیگر است تا به همراه آن بتواند حکم شرعی را پیدا کند (منتهایی، ۱۳۸۰، ۹۰). به عنوان مثال: حکم: حسن نفقه حیوانات؛ صغری: نفقه حیوانات شرعاً مورد تأکید است؛ کبری: هر چیزی که شرعاً مورد تأکید است، عقل نیز بر آن تأکید کرده و ما را به انجام آن توصیه می‌کند؛ نتیجه: نفقه حیوانات شرعاً مورد تأکید و توصیه است. در نتیجه با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان گفت که حکم عقل نیز از جمله مبانی حقوق حیوانات به شمار می‌رود (محمدی، ۱۳۹۱، ۲۱۰-۲۰۵ و فاطمی تبار و منزوی، ۱۳۸۷، ۱۴-۷).

۴-۱- بنای عقلا

بنای عقلا به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است (ولایی، ۱۳۷۴، ۲۴۳ و فیض، ۱۳۷۳، ۲۰۳). مفهوم اصطلاحی این عبارت به معنای لغوی آن نزدیک است. در منابع گوناگون به جای این اصطلاح از تعبیر

دیگری نظیر سیره عقلا، ارتکاز عقلا، طریقه عقلا، عمل عقلا، سیره عقلایی، قانون عقلایی، اصل عقلایی، حکم عقلایی، عرف عقلا، اتفاق عقلا و عادت عقلا نیز استفاده شده است (فیض، ۱۳۷۳، ۲۲۴). با دقت و بررسی در آثار علما و دانشمندان بسیاری در مرزها و ادیان گوناگون، از دیرباز تا کنون، به صراحت می‌توان گفت که گفتار و کردار عقلا نیز همواره حکایت از پذیرش حقوق گوناگون و رعایت آن‌ها در قبال حیوانات دارد. لذا بنای عقلا و طریقه رفتاری ایشان اعم از فعل و کلام، از جمله مبانی ایجاد حقوق حیوانات به شکل امروزی آن به شمار می‌رود. در ذیل به نمونه‌هایی از مصادیقی که گویای پذیرش و وجود حقوق مذکور در طریقه عقلا می‌باشد اشاره می‌شود:

محقق حلی (ره) در بحث ودیعه می‌نویسند: اگر مالک بگوید به حیوان آب و علف نده، بر امانت گیرنده پذیرش سخن او روا نیست؛ بلکه بر او واجب است که به حیوان آب و علف دهد. شیخ طوسی (ره) در مبسوط می‌نویسند: بر مالک حیوان واجب است، هزینه آن را برآورده سازد و فرقی میان حیوان حلال گوشت و حرام گوشت نیست و پرنده و غیرپرنده نیز مساوی است؛ زیرا حیوان حرمت دارد (حسینی، ۱۳۹۱، ۱۱۶-۱۱۵). نمونه‌های مذکور بیانگر پذیرش حق تغذیه برای حیوانات به عنوان یکی از مصادیق نفقه ایشان می‌باشند. همچنین در مورد سایر موارد نفقه حیوان، نظیر مکان و استراحتگاه نیز نظراتی وجود دارد: شهیدثانی (ره) می‌نویسند: بر مالک حیوان واجب است، مکانی شایسته و مناسب مثل طویله و اصطبل برای حیوان فراهم آورد؛ حتی اگر از حیوان استفاده نکرده و یا حیوان در شرف مرگ باشد. و نیز صاحب جواهر (ره) ذکر کرده: از جمله حقوق واجب حیوان تهیه نیازمندی حیوان به محل استراحت است؛ که به تناسب زمان و مکان تغییر می‌کند (رفیعی طباطبائی، ۱۳۹۷، ۵۳-۵۲).

اهمیت حقوق حیوانات در میان فقیهان، که از جمله مصادیق بارز مفهوم عقلا به شمار می‌آیند، تا حدی است که حتی شماری از ایشان در پاره‌ای از موارد، آن را در زمره «حق الله» قلمداد کرده‌اند. صاحب جواهر (ره) در مبحث ودیعه این گونه می‌نویسند: اگر مالک حیوان به شخصی که حیوان را به امانت گرفته، بگوید نیازی نیست به آن آب و غذا بدهی، پذیرش دستور او روا نیست و بر وی آب و غذا دادن به حیوان واجب است. زیرا باید حق الله پاس داشته شود، حتی اگر شخص حق خود را ساقط کرده باشد؛ همچنین اگر مالک از انجام وظیفه سر باز زند و موضوع به حاکم ارجاع داده شود و وی به شخص امانت گیرنده دستور دهد که هزینه حیوان را از مال خود بپردازد، او می‌تواند برای دریافت مبالغ و هزینه‌ها به مالک رجوع کند (حسینی، ۱۳۹۱، ۱۱۳-۱۱۲ و ۱۱۶).

نمونه‌های بسیاری در بیان پذیرش وجود حقوق حیوانات در بنا و عرف عقلا موجود است که نه تنها در عرف عقلای اسلامی بلکه در سیره عقلای دیگر، در علومی علاوه بر فقه، مانند فلسفه و اخلاق و حتی دانشمندانی از سایر کشورها با ادیانی غیر از اسلام، نظیر مسیحیت به چشم می‌خورد. لذا بنابر پرهیز از تکرار مطالب، در بحث بعد و در ضمن بررسی مبانی فلسفی و اخلاقی حقوق حیوانات، نمونه‌های مذکور را نیز مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۲- مبانی حقوق حیوانات در رویکردهای فلسفی

۲-۱- فلسفه پذیرش حقوق حیوانات

مشاهده می‌شود که در ضمن مطالب گذشته، به بررسی حساب اعمال حیوانات و حتی مجازات ایشان اشاره شده است. همچنین در قسمت مربوط به تکامل و حشر حیوانات در قیامت، به دلالت آیات قرآن کریم بر محشور شدن حیوانات و جانوران در روز حساب پرداخته شد. لذا تنها در صورتی می‌توان آیات و روایات مربوط به محشور شدن و رسیدگی به حساب حیوانات را پذیرفت، که به پیروی از آن وجود قوه ادراک در حیوانات را نیز بپذیریم؛ زیرا لازمه حساب و کیفر، درک مفهوم و آثار افعال ارتكابی توسط حیوان است. پس به روشنی پیداست که آیات و روایات دال بر محشور شدن حیوانات در قیامت، بیانگر فلسفه برخورداری حیوانات از حقوق نیز می‌باشند. بنابراین علاوه بر مستندات قرآنی، از طریق بررسی مبانی و مستندات روایی نیز می‌توان برخورداری حیوانات از قدرت درک و شعور در سطحی خاص را استنباط کرد. لذا علاوه بر صراحت آیات و روایات گوناگون در برخورداری حیوانات از حقوق متنوع، که در ظاهر موارد مذکور به روشنی پیداست، می‌توان از باطن امر نیز به فلسفه وجودی این حقوق و یا به تعبیر بهتر، فلسفه محق بودن حیوانات پی برد و علت اصلی آن را در بهره مندی حیوانات از «ادراک» دانست (رفیعی طباطبائی، ۱۳۹۷، ۴۹-۴۸).

۲-۲- رویکردهای فلسفی

در اینجا به بیان و بررسی مبانی حقوق حیوانات، در تفکرات فلسفی می‌پردازیم. در گذشته نظریه غالب در اکثر دیدگاه‌های فلسفی، که در حوزه اخلاق سنتی نیز تأثیر چشمگیری داشته، حکایت از محدود شدن قلمرو اخلاق به انسان و زندگی وی داشته است. بدین معنی که اغلب فلاسفه در گذشته انسان را به تنهایی در کانون توجهات می‌دانستند و تمامی پدیده‌های عالم طبیعت نظیر گیاهان و حیوانات را تنها زمانی دارای ارزش می‌دانستند که مخلوق برتر یعنی انسان، به آن‌ها نیاز داشته است. به عبارت دیگر در تفکرات ایشان سایر جانداران پیرامون انسان، به طور مستقل از ارزش ذاتی برخوردار نبوده و تنها ابزاری در راستای رفع نیازهای حیاتی بشر به شمار می‌آمدند. از این دیدگاه تحت عنوان رویکرد «انسان محور» یاد می‌شود. در فلسفه یونان باستان تنها فیثاغورث قائل به «animism» یا «جان گرایی» و محترم بودن روح و جان بود؛ جان گرایی و زنده پنداری به این معنی که روح اساس زندگی است. لذا از آن جایی که تمام موجودات در عالم طبیعت دارای روح هستند، جان ایشان محترم است و باید از تعرض در امان باشد؛ که از این مفهوم در فقه تحت عنوان قاعده حرمت روح یاد می‌شود (حییم، ۱۳۹۰، ۳۴ و حق شناس و همکاران، ۱۳۸۷، ۴۶) و کشتار و تغذیه از حیوانات را هم ردیف قتل و خوردن هم نوع خویش می‌دانست؛ لذا از وی به عنوان نخستین فیلسوف مدافع حقوق حیوانات یاد می‌شود.

در مقابل، بسیاری از فلاسفه برخلاف دیدگاه فیثاغورث، برای حیوانات حقوق مستقلى قائل نبودند. آن‌ها بر این باور بودند که چون تنها انسان از ویژگی و قدرت عقل و تفکر بهره‌مند است، مالک مطلق محسوب شده و سایر موجودات وسیله‌ای در جهت رفع حاجت‌های حیات بشری هستند. لذا مالکیت، نگهداری و استفاده از ایشان بر عهده مخلوقی است که دارای عقل است. بنابراین می‌توان گفت از نظر این گروه از فلاسفه، معیار برخورداری موجودات زنده از حقوق مستقل و توجهات اخلاقی «دارا بودن عقل و قوه تفکر» می‌باشد. از جمله این فلاسفه می‌توان به ارسطو، رنه دکارت، امانوئل کانت و توماس آکویناس اشاره کرد (شهرآیینی و زیرک باروقی، ۱۳۹۱، ۱). با این وجود برخی از این فلاسفه نظیر امانوئل کانت، در ضمن بیان دیدگاه‌های خود مبنی بر این که حیوانات به دلیل فقدان عقلانیت و قدرت تفکر از دایره شمول اخلاق خارج هستند، بر این باور هستند که اگرچه حیوانات هم ردیف انسان‌ها نمی‌توانند موضوع توجهات اخلاقی مستقیم باشند، لیکن نوع رفتار با این موجودات بر نوع روابط انسان‌ها با یکدیگر نیز تأثیر دارد و بهتر است انسان با حیوان برخوردی مناسب را در پیش گیرد تا بتواند با هم نوع خویش نیز به شایستگی رفتار نماید.

در مقابل دیدگاه‌های «بزار انگارانه» و «انسان محور» که توسط گروه اخیر مطرح شد، عده‌ای از فلاسفه پذیرش معیار «عقلانیت» را به طور مطلق مردود دانسته‌اند. از جمله این فلاسفه می‌توان از جان لاک، ژان ژاک روسو که خود از حامیان گیاه‌خواری بوده، ژرمی بنتهام، پیتر سینگر و تام رگان نام برد (رفیعی طباطبائی، ۱۳۹۷، ۵۶-۵۴). دسته اخیر از فلاسفه قائل به پذیرش معیار «ادراک» بوده و معتقدند اگرچه حیوانات دارای عقل نیستند و نمی‌توانند مانند نسل انسان تفکر کنند، لیکن دارای قدرت ادراک بوده و از قابلیت احساس انواع لذت‌ها و رنج‌های زندگی برخوردار هستند و حتی در پاره‌ای از موارد حیوانات را دارای میزان خاصی از توانایی اندیشیدن می‌دانند و برای ایشان ظرفیت‌های روحی نظیر احساس، حافظه، میل و خودآگاهی قائل‌اند (بهنام منش و عمانی سامانی، ۱۳۹۱، ۲۸-۲۵ و شهبازی ۱۳۹۱، ۴۲-۲۸). همان‌طور که ملاحظه می‌شود گروه اخیر، مبنای فلسفی برخورداری حیوانات از حقوق مختلف و نیز توجهات اخلاقی را «ادراک» می‌دانند؛ همچنین در مطالب گذشته، در مورد فلسفه پذیرش حقوق حیوانات، با این استدلال که لازمه اصلی محشور شدن حیوانات در رستاخیز و مورد حساب قرار گرفتن ایشان پذیرش قدرت درک برای ایشان است، به همین نتیجه دست یافتیم. در نتیجه می‌توان گفت حقوق حیوانات دارای مبنای فلسفی بوده (مشهدی و کشاورز، ۱۳۹۱، ۷۰-۴۷) و به تبع وجود آن، مبنای فقهی حقوق مذکور نیز شکل گرفته است؛ مانند توصیه‌های بسیاری که از گذشته تاکنون، در قالب احادیث، آیات، کلام علما و دانشمندان مختلف و... به دست ما رسیده‌اند؛ که پیدایش همگی آن‌ها در گرو وجود و درک همین مبنای فلسفی است؛ و نتیجه بررسی مبنای گوناگون حقوق حیوانات، نشان دهنده این است که آیات، روایات، حکم عقل، بنای عقلا و نظرات دانشمندان، در عین حال که خود مبنایی فقهی به شمار می‌آیند، مبنایی فلسفی نیز هستند و همگی نشأت گرفته از پذیرش «ادراک» برای

حیوانات می‌باشند. به عبارت دیگر، تمام مبانی فقهی حقوق حیوانات، خود به طریق اولی و در وهله اول فلسفی هستند. به عنوان مثال، خود آیات قرآن نیز پیش از آن که دلیلی فقهی به شمار آیند، دلیلی فلسفی هستند؛ زیرا از تفاسیر موجود روشن است که خداوند یکتا حیوانات را از قدرت ادراک برخوردار کرده و ایشان را صاحب درک و شعور می‌داند؛ در غیر این صورت برای ایشان حقوق مختلف در نظر نمی‌گرفت و آن‌ها را در روز قیامت مورد حساب و رسیدگی واقع نمی‌کرد (رفیعی طباطبائی، ۱۳۹۷، ۵۷).

نتیجه‌گیری

چنان که به موجب مطالب بررسی شده مشاهده گردید، مسئله حقوق حیوانات و برخورداری این مخلوقات پروردگار یکتا از حقوق مختلف و همچنین لزوم رعایت حقوق حیوانات توسط انسان، نه تنها مسئله‌ای تازه نمی‌باشد بلکه امری است که پیش از همگان شارع مقدس به آن توجه داشته است؛ و نیز به تبع آن، این مهم در سنت پیشوایان دینی و اندیشمندان نیز انعکاس یافته است. لذا به خوبی پیداست که دلیل عدم توجه به حقوق حیوانات در حال حاضر جامعه خود را نباید نقص یا ابهام مبانی بدانیم بلکه با کمی دقت و مطالعه در می‌یابیم که مغفول ماندن موضوع، بیش از هر چیز حاصل غفلت خود ماست. علاوه بر آن، مسئله حقوق حیوانات در آثار و رویکردهای اندیشمندان و بزرگان سایر ملل و مذاهب نیز ضمن پرداخت به چرایی آن به وضوح منعکس گردیده است؛ که خود حکایت از ریشه دار بودن و با اصالت بودن موضوع است. لذا با اطمینان می‌توان گفت که لزوم رعایت حقوق حیوانات صرفاً بر اساس ترحم به این موجودات و ناشی از تأثیرپذیری از فضاهای عاطفی نمی‌باشد. بلکه همگان مستنداً موظف به رعایت حقوق حیوانات هستند و در صورت عدم رعایت این حقوق، حتی اگر در دنیا به دلیل فقدان قوانین در جوامع انسانی مجازات نگردند، یقیناً در آخرت مورد کیفر الهی قرار خواهند گرفت.

منابع

فارسی

- قرآن کریم.
- بهنام منش، شیما؛ عمانی سامانی، رضا، ۱۳۹۱، جایگاه حیوانات در سیر تاریخی اخلاق و فلسفه در غرب، **مجله اخلاق و تاریخ پزشکی**، شماره ۲.
- پورمحمدی، شیما، ۱۳۸۴، گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب (قسمت اول)، **نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)**، شماره ۳۹.
- حسینی، سیدابراهیم، ۱۳۸۱، نقش عقل در استنباط قواعد و مقررات حقوقی از دیدگاه اسلام، **مجله معرفت**، شماره ۶۱.
- حسینی، سیدهادی، ۱۳۹۱، **حقوق حیوانات، فصلنامه اسلام پژوهان**، شماره ۲.
- حق شناس، محمدعلی؛ سامعی، حسین؛ انتخابی، نرگس، ۱۳۸۷، **فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی**، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگ معاصر.

- حمیم، سلیمان، ۱۳۹۰، **فرهنگ معاصر بزرگ انگلیسی-فارسی**، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگ معاصر.
- رفیعی طباطبائی، سیدحسام الدین، ۱۳۹۷، **حقوق حیوانات در پر تو قوانین موضوعه و اسناد بین المللی**، چاپ اول، تهران، نشر آذرفر.
- شهبازی، آرامش، ۱۳۹۱، **حقوق حیوانات**، تأملی در نظریه و رویه، فصلنامه پژوهش حقوق، شماره ۳۶.
- شهرآیینی، سیدمصطفی؛ زیرک باروقی، عزیزه، ۱۳۹۱، **رویکردی انتقادی به جایگاه اخلاقی حیوانات در نظام فکری دکارت**، سومین همایش ملی بزرگداشت سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی، دانشگاه زنجان.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، بی تا، **تفسیر المیزان**، جلد هفتم، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید، حسن، ۱۳۸۱، **فرهنگ فارسی**، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- فاطمی تبار، سیداحمد؛ منزوی، عباس، ۱۳۸۷، **عقل و مفاهیم اخلاقی**، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۳.
- فیض، علیرضا، ۱۳۷۳، **مبادی فقه و اصول**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۶۲، **مباحثی از اصول فقه**، جلد دوم، چاپ اول، تهران، اندیشه های نو در علوم اسلامی.
- محمدی، ابوالحسن، ۱۳۹۱، **مبانی استنباط حقوق اسلامی**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، علی، ۱۳۸۷، **شرح اصول فقه**، جلد سوم، قم، نشر دارالفکر.
- مشهدی، علی؛ کشاورز، اسماعیل، ۱۳۹۱، **تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم**، دوفصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۲.
- مظاهری کوهانستانی، رسول؛ نیازی، عباس، ۱۳۹۵، **مطالعه مقارن حکم عقل در شرع و حقوق ایران**، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۶.
- معین، محمد، ۱۳۶۰، **فرهنگ فارسی**، جلد دوم، تهران، نشر سپهر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، **تفسیر نمونه**، جلد پنجم و جلد یازدهم، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیه.
- منتهایی، عباس، ۱۳۸۰، **علم اصول فقه و سرچشمه های حقوق اسلامی**، ماهنامه کانون، شماره ۲۷.
- ناجی جزایری، سیدهاشم، ۱۳۷۹، **حمایت از حیوانات در اسلام**، جلد اول، چاپ اول، قم، نشر دارالثقلین.
- ولایی، عیسی، ۱۳۷۴، **فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول**، جلد اول، تهران، نشر نی.
- عربی**
- محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، جلد هشتم، قم، نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- محمدبن الحسن الطوسی، ۱۳۸۷ ق، **المبسوط فی فقه الإمامیه**، جلد ششم، تهران، مکتب مرتضویه.
- مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۷، **اصول الفقه**، جلد دوم، قم، نشر دارالفکر.